

## Dual assessment of the challenge between management or supervision and guidance in the field of Waqf management

Mohammad Amin Khansari

### Abstract

Waqf and related issues are among the important issues in the country's governance. «Oqaf and Charities Organization» is responsible for the management of waqf in the country, which is due to the benefit of public and government funds and the various effects it has in economic, cultural, social and religious dimension and of course, its challenges and issues need to be monitored and evaluated. In the current research, by distinguishing between the two fields of stewardship and guidance, we are looking for the question of what the current situation and the desired situation in the governance of the waqf should be. Based on this, we will have discussions based on the legal duties of the waqf and charity organization and related discussions in the field of support and financial assistance in the field of propagation and dissemination of Islamic teachings and monitoring and evaluation of moqfat. It seems that the ideal situation in the field of waqf is that its management should go towards guidance, supervision and support and avoid direct management and moqfat maintenance as much as possible. This is what is happening in some areas of waqf management and it should happen more quickly.

Key words: Waqf, Oqaf organization and charity affairs, stewardship, leadership, Moqfat supervision, Waqf management.



## التقييم المزدوج للمهمة بين التصدي أو الإشراف و التوجيه في مجال إدارة الوقف

محمدامين خوانسارى

### الخلاصة

يعتبر الوقف و القضايا المتعلقة به من المسائل المهمة في حكم البلاد. (منظمة الأوقاف و الامور الخيرية) هي المسؤولة عن إدارة الوقف في الدولة، وهو ما يحتاج إلى اشراف و تقييم نظرا لمنفعة المال العام و الحكومي و ما له من آثار مختلفة في الأبعاد الاقتصادية و الثقافية و الاجتماعية و الدينية و بالطبع التحديات و القضايا التي تواجهها. في هذا البحث، و من خلال التمييز بين مجالي التصدي و التوجيه ، نبحت عن سؤال كيف يكون الوضع الحالي و الوضع المنشود في حوكمة الوقف. و بناء على ذلك، سنجري مناقشات حول الواجبات الشرعية لهيئة الوقف و الجمعيات الخيرية و ما يتصل بها من بحوث في مجال الدعم و المساعدة المالية في مجال الدعاية و نشر التعاليم الإسلامية و الاشراف على الأوقاف و تقييمها. و يبدو أن الوضع المطلوب في مجال الوقف هو أن تتجه هذه الإدارة نحو التوجيه و الإشراف و المساندة و تتجنب الإدارة المباشرة للوقف قدر الإمكان. و هذا ما يحدث في بعض مجالات إدارة الوقف و يجب أن يحدث بسرعة أكبر.

### مصطلحات مفتاحية:

الوقف، منظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية، الإدارة، التوجيه، الإشراف على الأوقاف، إدارة الأوقاف.



## ارزیابی دوگانه چالش میان تصدی‌گری یا نظارت و هدایت‌گری در حوزه مدیریت

مقاله پژوهشی محمدامین خوانساری<sup>۱\*</sup>



### چکیده

وقف و مسائل مربوط به آن از جمله مسائل موردتوجه در حاکمیت کشور است. «سازمان اوقاف و امور خیریه» مدیریت وقف در کشور را عهده‌دار است که به دلیل بهره‌مندی از سرمایه‌های عمومی و دولتی و تأثیرگذاری‌های مختلفی که در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، دینی دارد و البته چالش‌های و مسائلی که دارد، نیازمند نظارت و ارزیابی است. در پژوهش حاضر، با تمایز میان دو حوزه تصدی‌گری و هدایت‌گری به دنبال این پرسش هستیم که وضعیت موجود و وضعیت مطلوب در حکمرانی وقف، چگونه باشد؟ بر همین اساس، مباحثی را بر اساس وظایف قانونی سازمان اوقاف و امور خیریه و مباحث مرتبط در زمینه حمایت و کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی و نظارت و ارزیابی از موقوفات خواهیم داشت. به نظر می‌رسد، وضعیت مطلوب در حوزه وقف این است که این مدیریت آن به سمت‌وسوی هدایت‌گری و نظارت و حمایت برود و تا حد ممکن از موقوفه‌داری و تصدی‌گری مستقیم بپرهیزد. این اتفاقی است که در برخی حوزه‌های مدیریت وقف در جریان است و باید با سرعت بیشتری این اتفاق بیفتد.

**واژگان کلیدی:** وقف، سازمان اوقاف و امور خیریه، تصدی‌گری، هدایت‌گری، نظارت موقوفات، مدیریت وقف.

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث  
ma.khansari@gmail.com



## مقدمه

«وقف» از جمله سنت‌های فرهنگ اسلامی است که ابعاد مختلف دینی، اقتصادی، اجتماعی و غیره دارد. وقف در تعریفی مختصر، عبارت است از نگه‌داشتن و حبس کردن عین مال و جلوگیری از انتقال آن به دیگری، به‌وسیله یکی از عقود، مانند بیع، صلح، هبه و قرار دادن منافع آن در جهتی که واقف آن را مشخص کرده است.<sup>۱</sup> بر اساس تعریفی که از وقف در قوانین مدنی شده است، «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». <sup>۲</sup> هر شخص حقیقی یا حقوقی که به نیت وقف، اصل مالی را از ملکیت خود خارج کرده، از هر گونه نقل و انتقال (مانند معامله، ارث و سایر تصرفات) مصون داشته و منافع آن را طبق نیت واقف، به جریان انداخته تا افراد دیگر (موقوف‌علیهم) به طور محدود و معین (وقف خاص) یا نامحدود و نامعین (وقف عام) از منافع آن، بهره‌مند شوند.

دسته‌بندی‌های مختلفی را درباره موقوفات، انجام گرفته است

از منطری، موقوفات را می‌توان از منطری به «وقف انتفاعی» و «وقف منفعتی» دسته‌بندی کرد.

الف: «موقوفات انتفاعی» شامل موقوفاتی است که در جهت بهره‌وری و ارائه خدمات ملاحظه شده‌اند. مکان‌هایی مانند مراکز درمانی، مدارس دینی و عمومی، آب‌انبارها، کاروان‌سراها، کتابخانه‌ها، قبرستان‌های وقفی از این دسته هستند. این موقوفات همواره نیازمند منفعت‌های دیگر جهت ارتقا و بهینه‌سازی هستند. برای ارتقای بهره‌وری موقوفات انتفاعی، باید سازوکار مدیریتی آنها را انتفاع داد و با تغییر فرایندها به اعتباراتی پایدار دست یافت که در جهت احیا و توسعه آنها به کار گرفت.

ب. «موقوفات منفعتی» منافعی را در پی‌دارند و از این جهت در مقایسه با موقوفات انتفاعی در زمینه بهره‌وری، وضعیت بهتری دارند. در این موقوفات، متولی موقوفه یا اداره اوقاف، املاک و اراضی قابل بهره‌برداری را در مقاطع مختلف زمانی واگذار نموده‌اند و با وصول درآمد آن، مبادرت به اجرای نیت واقف می‌کنند. باغات، اراضی کشاورزی، املاک مسکونی تجاری و غیره از این جمله هستند.

همچنین از منطری دیگر، «موقوفات» را می‌توان به دودسته تقسیم کرد:

الف. «موقوفات دارای درآمد اقتصادی» یعنی؛ موقوفاتی که کاربردهای تجاری، مزروعی،

اداری، مسکونی به صورت اجاره در اختیار افراد قرار می‌گیرد.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27836>

۲. ماده ۵۵ قانون مدنی

ب. «موقوفات فاقد درآمد» یعنی؛ موقوفاتی که به دلایل مختلف در آمد یا اجاره‌ای از آنها حاصل نمی‌گردد.

هرچند که وقف از ابتکارات فقه اسلامی است و احکام فقهی متعددی در زمینه وقف بیان شده است و قوانین کشور در حوزه وقف متأثر از آنها بوده است؛ اما ماهیت آن را نباید امری صرفاً مختص به اسلام دانست؛ بلکه پیشینه دیرینی در ادیان و ملل دارد. امروزه نیز در ادیان، ملل و فرهنگ‌های مختلف، حبس مال و اختصاص منافع آن در مؤسسات خیریه، فرهنگی، اجتماعی، دینی و غیره مطرح است. امروزه، وقف ابعاد مختلفی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، دینی و فرهنگی پیدا کرده و مسائل نوینی را در پی داشته است.

امروزه در ایران معاصر، پژوهش‌شکده‌ها و پژوهش‌های متعددی در حوزه وقف و امور خیریه، سامان یافته‌اند که همه آنها از منظری به این مهم پرداخته‌اند. سازمان اوقاف و امور خیریه از جمله سازمان‌های حاکمیتی است که وظایفی را عهده‌دار است. در این پژوهش به دنبال این پرسش هستیم که بر اساس اساسنامه و دیگر قوانین مربوطه، آیا وظیفه این سازمان در حوزه وقف تصدی‌گری است یا اینکه باید به امری فراتر از آن یعنی هدایت‌گری بپردازد؟ تمایز و تفاوت این دو رویکرد و نگاه در حوزه وقف چیست؟ به همین منظور به طور مصداقی هم مباحثی تطبیقی را اشاره خواهیم کرد.

## ۱. سازمان اوقاف و امور خیریه

وقف در ایران اسلامی فراز و فرودهای بسیاری در حکومت‌های مرکزی داشته است. به طوری که در دوره‌های مختلف، مسئله وقف و تولیت، فراز و نشیب‌هایی داشته است. در مقاطعی، سوء تدبیر یا سوءنیت حاکمان یا متولیان امر، منجر به اضمحلال و افول موقوفات شده است. در مقاطعی، حاکمان و مردمان در پی ترویج و توسعه موقوفات بوده‌اند تا جایی که «موقوفات» منابعی پایدار برای توسعه‌های فرهنگی و دینی می‌شدند و بسیاری از مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و غیره بر همین اساس شکل می‌گرفتند یا مخارج آنها از طریق موقوفات تأمین می‌گردید. هرچند که حکومت‌ها، نمایندگانی جهت اداره موقوفات مشخص می‌کردند؛ اما به تدریج پس از نهادینه‌شدن مدیریت‌های اجتماعی و دولتی، گام‌هایی در جهت ایجاد تسهیلات مناسب و تشکیلات اداری برای تمرکز موقوفات برداشته شد. نخستین قانون‌گذاری در حوزه وقف را می‌توان در حدود یک صد سال پیش پیگیری کرد.<sup>۱</sup> با پیروزی انقلاب اسلامی، تحولات مختلفی در برخی قوانین حوزه وقف انجام شد.

۱. نک: گزارش آشنایی با وضعیت اوقاف در کشور، فروردین ۱۳۸۱، دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی



این سازمان، همانند دیگر تشکیلات دولتی از نظر ساختاری، متحول شد و شورای انقلاب، افزون بر وظایف اصلی، وظایف جدیدی نیز بدان واگذار کرد. در این دوره، برقراری و اعمال ولایت دینی بر امور اوقاف، به دلیل لزوم اذن ولی فقیه یا حاکم شرع در مواردی از اوقاف، مشکل دیرینه نافذ نبودن احکام شرعی را که در عملکرد حکومت‌های گذشته وجود داشت، از میان برد. همچنین ضرورت داشت که اقداماتی اصلاحی جهت احیای موقوفات شکل بگیرد. زیرا برخی از موقوفات، بنا به دلایل گوناگون از بین رفته بودند که سازمان اوقاف با برخی کارشناسان اراضی و حقوقی، به مطالعه اسناد و پرونده‌ها مشغول شدند. همچنین ضرورت داشت که موقوفات غصبی نیز، بازیابی و بازستانی شوند.

در ساختار تشکیلاتی جمهوری اسلامی ایران، «سازمان اوقاف» از «نخست‌وزیری» منتزع و به همراه اداره امور حج، تحت عنوان «سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» وابسته به «وزارت ارشاد اسلامی» شد. در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی، «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» از سوی مجلس شورای اسلامی مصوب شد. در سال ۱۳۷۰ نیز امور حج و زیارت نیز از این سازمان جدا شد و این سازمان با عنوان «سازمان اوقاف و امور خیریه» نامیده شد. (ملایی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۰)

«قوانین، مقررات، آیین‌نامه و دستورالعمل‌های» مختلفی در حوزه «وقف و امور خیریه» در قانون اساسی، قوانین مجلس شورای اسلامی اعم از قانون تشکیلات اوقاف، قوانین مدنی، قوانین ثبتی، قوانین شهرداری، قوانین اراضی، قوانین موجر و مستأجر، قوانین مالیاتی، میراث فرهنگی و سایر قوانین آمده است. از جمله اینکه، در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آمده است

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود. در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منظور از «سوءاستفاده از موقوفات» چنین تعریف شده است

«سوءاستفاده از موقوفات» عبارت است از تحصیل ثروت ناشی از دخالت در وقف برخلاف ترتیبی که شرع معین نموده باشد.»

مطابق با قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳، این تشکیلات متولی امور ذیل گردید:

۱ - اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و با رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد.

۲ - اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است. به استثناء مساجد و مدارس دینی و تکایا.

۳ - اداره امور مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذی صلاح به سازمان محول شده یا بشود

۴ - اداره مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) ضم امین در مؤسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل مدیر آن فاقد صلاحیت باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) و همچنین است در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی شده باشد).

۵ - انجام امور مربوط به گورستان‌های متروکه موقوفه‌ای که متولی معین ندارند و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آنها.

۶. کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی

سازمان اوقاف و امور خیریه، در برنامه‌های توسعه نیز محل توجه بوده است. از جمله اینکه، در برنامه ششم توسعه، تکالیفی برای این سازمان در نظر گرفته شده است که از جمله آنها می‌توان به بخش فرهنگ، هنر و ورزش ذیل ماده ۹۲ اشاره کرد. وفق این ماده، سازمان در راستای «احیای موقوفات و پاسداشت منزلت امامزادگان و تقویت و توسعه نهادهای فرهنگی - مذهبی در طول سالهای اجرای برنامه» تکالیفی دارد.

«ت - سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف است با همکاری سازمان، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به صدور و اخذ اسناد موقوفات و تبدیل بقاع متبرکه با رعایت ضوابط وقفی به قطب‌های فرهنگی اقدام نماید»

همچنین مطابق با ماده ۹۷ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها و فرهنگ مبتنی بر هویت اسلامی و ترویج سیره و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) و استفاده بهینه از ظرفیت معنوی اماکن زیارتی در شهرهای مقدس مشهد، قم و شیراز و غیره نسبت به انجام اموری تا پایان اجرای قانون برنامه اقدام نماید.



مطابق با بند «ب» این قانون، بر اقدام زیر تأکید شده است.

ماده ۹۷ بند «ب» توسعه امکانات، فعالیت‌های فرهنگی و خدمات زیارتی در قطب‌های زیارتی و گردشگری مذهبی و فراهم نمودن زمینه زیارت و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) زیربنایی مورد نیاز در قالب بودجه‌های سنواتی<sup>۱</sup>

منابع مالی سازمان اوقاف و امور خیریه، عمدتاً از دو منبع و محل تأمین می‌شوند: یک. منابع اختصاصی که بر اساس شرایط و ضوابط از موقوفات تأمین می‌گردد. از جمله، در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه بدان‌ها تصریح شده است (وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق‌التولیه و حق‌النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیأت دولت خواهد رساند رأساً به مصرف می‌رساند).

دو. اعتبارات و منابع عمومی که در قانون بودجه سالیانه از محل بودجه عمومی کشور تأمین می‌شود. به طور نمونه می‌توان به لایحه بودجه سال‌های اخیر اشاره کرد که اعتباراتی هزینه‌ای و عمرانی برای این سازمان، لحاظ شده است. (خوانساری و جبار نژاد، ۱۳۹۹: ۵۵؛ خوانساری و آهنگر، ۱۴۰۰: ۹۴)

## ۲. تمایز «تصدی‌گری» و «هدایت‌گری» در وقف

وفق ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، امور حاکمیتی «آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود». مصادیقی از قبیل «الف - سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی»، «ب - برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد»، «ج - ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم»، «د - فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری»، «ه - قانونگذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضایی» از جمله مصادیق امور حاکمیتی هستند.<sup>۱</sup>

۱. از جمله موارد دیگر عبارتند از:

- و - حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی.
- ز - ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.
- ح - اداره امور داخلی، مالی عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی.
- ط - حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.
- ی - تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.
- ک - ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی.

این امور نیز، باید در «حکمرانی وقف» از سوی نهاد حاکمیتی «سازمان اوقاف و امور خیریه» محل توجه قرار بگیرند. فقدان مدیریت جامع و کل‌گرایانه در حوزه وقف باعث می‌گردد که از همه ظرفیت‌های وقف استفاده نگردد. زیرا سازمان اوقاف و امور خیریه به‌عنوان متولی اصلی وقف در کشور، به دلیل تمرکز بیش از حد بر موقوفه‌داری، نمی‌تواند سیاست‌گذاری و نظارت کافی داشته باشد و از همه ظرفیت‌های وقف بهره بگیرد. فلذا باید توازنی میان این امور حاصل گردد.

در اکثر کشورها، نهادهای حکمران، از وادی تصدی‌گری و اجرای نیت خارج شده‌اند. برخلاف کشورهایی مانند کشور ما که نهاد حکمران هم‌زمان در حال سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تصدی‌گری است. مطلوب این است که وقتی نهادی می‌خواهد به‌عنوان ناظر یا تنظیم‌گر ایفای نقش کند، باید از حوزه تصدی‌گری خارج شود؛ زیرا مشکلات زیادی به وجود می‌آورد. در چنین حالتی نهادهای حکمران در بسیاری از موارد با خیریه‌ها رقابت می‌کنند و به نوعی شأن حاکمیتی آن، زیر سؤال می‌رود؛ بنابراین پیشنهاد اساسی در این زمینه این است که در نظام حکمرانی وقف و خیریه کشور، سازمان‌های حکمران باید از تصدی‌گری دست بردارند. باید به دنبال نظارت یا تسهیل‌گری باشند. تسهیل‌گری به معنای بسترسازی و نگهداری برای فعالیت بیشتر خیریه‌ها و موقوفات است تا به‌صورت تخصصی فعالیت کنند. این نقشی است که سازمان اوقاف در کشور ما به خوبی می‌تواند ایفا کند. (جعفری، ۱۳۹۷: ۸۱)

از جمله چالش‌های سازمان اوقاف و امور خیریه به‌عنوان یک نهاد حکمران در حوزه وقف این است که رویکرد حداکثری در موقوفه داری و تصدی‌گری موقوفات دارد و در مقابل، رویکرد حداقلی به تنظیم‌گری، سیاست‌گذاری و نظارت دارد. در نتیجه «وقف» از مردمی بودن به سوی دولتی بودن سوق داده شده است و شاهد کاهش تمایل به وقف در اجتماع خواهیم بود. از جمله چالش‌های اساسی در حوزه حکمرانی وقف، ورود نهاد حکمران در عرصه تصدی‌گری و اجرای نیت است. در این وضعیت، شاهد فرجه‌شدن قوانین حقوقی و قضایی هستیم و در مقابل کمتر به قوانین نظارتی و تسهیل‌گرایانه توجه می‌شود.

مطلوب در حکمرانی وقف این است که سازمان اوقاف و امور خیریه، مدیریتی کلان داشته باشد و از «موقوفه‌داری مستقیم» و «تصدی‌گری همه‌جانبه» بپرهیزد و با استفاده از ظرفیت‌های موجود، بیشتر به‌عنوان «ناظر، سیاست‌گذار، هدایت‌گر و تنظیم‌گر» در حوزه وقف، ایفای نقش کند. تصدی‌گری همه‌جانبه منجر به این شده که سازمان اوقاف و امور



خیریه به برخی از مأموریت‌های خود به‌خصوص فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی نرسد و از همه ظرفیت‌های خویش بهره‌برداری نکند.

### ۳. تطبیق چالش موقوفه داری و تصدی‌گری در وظایف سازمان اوقاف و امور خیریه

در این باره می‌توان به طور مصداقی به مسائلی پرداخت که سازمان اوقاف و امور خیریه، به‌جای اینکه سیاست‌گذاری یا نظارت یا کمک بکند به طور مستقیم به حوزه تصدی‌گری پرداخته است. سازمان اوقاف و امور خیریه در زمینه «کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی» به‌جای اینکه به طور مستقیم در حوزه تبلیغ ورود کرده و اعزام مبلغ داشته باشد یا تصدی مستقیم در حوزه آموزش داشته باشد یا فعالیت مستقیم در حوزه قرآن و معارف اسلامی داشته باشد، باید از نهادهای تبلیغی حمایت کند و همان‌طور که ذیل بند «۶» ماده «۱» تصریح شده، «کمک مالی» کند. همچنین به‌جای اینکه مستقیماً به تأسیس دانشگاه‌های در زمینه نشر معارف اسلامی بپردازد به حمایت از رشته‌ها، و مراکز آموزشی حوزوی و آموزش عالی در این زمینه بپردازد.

بنا بر قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ذیل ماده یک این سازمان عهده‌دار وظایفی مانند «اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است. به‌استثنای مساجد و مدارس دینی و تکایا» و «کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی» است.<sup>۱</sup> همچنین ذیل ماده «پنج» سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است شخص یا هیئتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به‌عنوان امین یا هیئت امناء تعیین نماید. از جمله مصارفی که در تبصره ذیل این ماده آمده است «نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعائر دینی در آن محل» و «کمک به مدارس علوم دینی در آن محل» است.

سازمان اوقاف و امور خیریه، در این زمینه فعالیت‌هایی داشته است. به طور مثال در کنار فعالیت‌های تبلیغی حوزه علمیه، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات اسلامی در زمینه اعزام و حمایت از مبلغان به‌خصوص در امامزاده‌ها و بقاع متبرکه فعالیت دارد. همچنین در زمینه‌های قرآنی، فعالیت‌هایی را از جمله برگزاری مسابقات ملی و بین‌المللی قرآن کریم را دارد. علاوه بر این، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشگاهی وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه است که در این زمینه فعالیت دارد.

۱. ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

سازمان اوقاف و امور خیریه در این زمینه بیشتر باید به‌عنوان حامی و هدایتگر فعالیت‌های موجود در زمینه معارف اسلامی باشد. مطلوب در حکمرانی وقف این است که سازمان اوقاف و امور خیریه، مدیریتی کلان داشته باشد و به‌جای تمرکز بر حوزه‌های مختلف آموزش و پژوهش یا مسابقات قرآنی یا دانشگاه‌داری و تصدی‌گری همه‌جانبه در همه حوزه‌هایی که اعتباراتی دارد، به حمایت و هدایت‌گری درباره ظرفیت‌های موجود بپردازد. مفاد ماده یک و ماده پنج قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه که گفته شد، تأکید بر همین جنبه داشته‌اند فلذا تصریح بر «کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی» (ماده ۱) یا «کمک به مدارس علوم دینی» (ماده ۵ تبصره ۲) کرده‌اند.

امروزه نهادهای آموزشی، فرهنگی و دینی مختلفی هستند که به‌صورت جزایر پراکنده در حال فعالیت در این زمینه‌ها هستند. حوزه‌های علمیه، دفتر تبلیغات اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی در زمینه مبلغین، مشغول فعالیت هستند. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های وابسته به وزارت علوم و نیز مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به حوزه‌های علمیه مشغول به فعالیت در عرصه نشر معارف اسلامی هستند. همچنین بسیاری از دارالقرآن‌ها به‌صورت مستقل یا وابسته به مراکزی مانند سازمان تبلیغات اسلامی نیز حمایت از فعالیت‌های قرآنی دارند. ضرورت دارد که سازمان اوقاف و امور خیریه، با توجه به پشتوانه مردمی و نیز اعتبارات دولتی که دارد، کنار این دستگاه‌ها و به‌عنوان حامی آنها فعالیت کند و نه اینکه به‌صورت موازی، فعالیت‌هایی در این زمینه داشته باشد. بخشی از بازسازی ساختار فرهنگی که همواره از تأکیدات مقام معظم رهبری بوده است، به همین فعالیت‌های موازی برمی‌گردد که در صورت یکپارچگی این دستگاه‌ها، بسیاری از مسائل، قابل حل خواهند بود. اما شاید بتوان یکی از مسائل پراهمیت که نگاه ویژه‌ای را می‌طلبد، بحث فعالیت‌های مذهبی و مدارس دینی است. به‌خصوص که پیشینه تاریخی در این زمینه وجود دارد و در کنار مساجد و تکایا، مدارس دینی یکی از بناهایی بودند که از قدیم بسیاری از واقفین به آن توجه داشته‌اند و منافع موقوفاتی را برای حمایت و گسترش علوم دینی و طالبان علوم دینی داشته است. به لحاظ تاریخی، بسیاری از مساجد، جاده‌ها، پل‌ها، رصدخانه‌ها و مراکز علمی و آموزشی طبق الگو و مفهوم وقف تأمین مالی شده‌اند. از جمله آنها می‌توان به مدارس نظامیه، مدرسه موقوفه بنی سعد بخارا و دیگر مدارس اسلامی اشاره کرد.

علاوه بر این، ایده پشتیبانی از حوزه‌های علمیه و مسائل مرتبط با تبلیغ دینی از سوی اوقاف، همواره یکی از مسائل مهم بوده است. در صورت احیای واقعی موقوفات حوزه دین و اختصاص منابع پایدار آن،



بخش عظیمی از فعالیت‌های دینی، از اعتبارات و کمک‌های دولتی، بی‌نیاز می‌گردد. به طور سنتی، اوقاف می‌تواند متولیان اصلی تمام تبلیغات دینی و مکان‌های دینی از جمله مساجد و مدارس دینی باشد. بسیاری از بزرگان حوزه علمیه و مراجع دینی بر اهمیت احیای موقوفات دینی و حوزوی تأکید داشته‌اند. مقام معظم رهبری در موارد مختلف به این مهم توجه داده‌اند. از جمله ایشان در بیاناتی چنین فرموده‌اند: پول حوزه، از جای دیگری باید تأمین شود که بهترین شیوه‌اش هم همین است که یا اوقاف تضمین‌شده مسلمین باشد - که مال خود حوزه باشد و هیچ شبهه‌ای در آن نباشد؛ با روش درست، سرمایه‌گذاری‌های اوقافی بشود که متعلق به اشخاص هم نباشد - یا اینکه همین وجوهات، کیفیتش، تصحیح شود؛ طوری بشود که بتواند جواب بدهد. من گمان می‌کنم بسیاری کسانی که اگر ببینند حوزه چه کارهایی می‌کند، حرفی ندارند که تبرّعات زیادی هم بدهند.<sup>۱</sup>

متدینین با وقف اموال و املاک، درصدد این بوده‌اند که آنها به‌عنوان یکی از منابع مستقل از حکومت‌ها در امور مختلف اجتماعی به‌خصوص امر دین و آموزش باشد. هرچند که موقوفات در دوران حکومت‌های سلاطین و شاهان، فرازوفرودهایی داشته است.

امروزه، هم‌زمان با اینکه بسیاری از امور اجتماعی (از جمله امر آموزش و دین) از مردمی شدن به‌سوی دولتی شدن انتقال یافتند در وقف نیز کمابیش این اتفاق افتاد و به نوعی وقف از مردمی شدن فاصله گرفت. در نتیجه، امر وقف در حوزه آموزش دین، در مسیری جداگانه افتادند. مردم به‌جای اینکه امر خیر را در وقف پیگیری کنند به سایر حوزه‌ها روی آوردند و کمک‌های دولتی به‌جای موقوفات، پشتوانه مالی برای امور آموزشی، فرهنگی و دینی گردیدند. به‌جای اینکه حکمرانی آموزشی، فرهنگی و دینی، با وقف عجین بماند و مردمی بماند، هر دو آنها دولتی شدند و درگیر نظام اداری و حقوقی شدند. مسئله وقف درگیر مسائل پیچیده حقوقی ماند و مسئله فرهنگ و دین نیز نیازمند کمک‌های دولتی باقی ماند. در این دوره، به علت فقدان ارتباط نظام حکمرانی کشور با مسئله وقف، امکان بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های ریشه‌دار وقف در زمینه آموزش و فرهنگ دینی، به وجود نیامد. در این مسیر، نظام فرهنگی و دینی کشور نتوانست اتکا به منابع مستقل و پایدار غیردولتی تکیه کند و همواره دچار مشکلات برنامه‌ریزی بوده است و از سوی دیگر نظام وقف دچار مسائل پیچیده حقوقی و در حاشیه امور مردم قرار گرفت. شاید آنچه که گفته شد، بخشی از این مسیر و اتفاقی است که در سال‌های اخیر افتاده است. به همین جهت، در همه این سال‌ها، بسیاری از کارشناسان و مراجع دینی را بر این داشته که تذکر بدهند که موقوفات باید یکی از منابع پایدار و مستقل آموزش و فرهنگ دینی، احیا شود

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۲۹/۶/۱۳۷۶

در این زمینه نیازمند شفافیت و به‌روزرسانی و رویه‌ای نوین هستیم تا در آینده، مدارس دینی همچون گذشته بتوانند بخشی از هزینه‌هایشان را از موقوفات تأمین کنند. منافع این موقوفات باید به‌روزرسانی شود. مضافاً که این امکان برای مراجع دینی، مسئولان حوزه‌های علمیه و مدارس دینی وجود داشته باشد تا بتوانند نسبت به این موقوفات، اظهارنظر کنند و امین مال و موقوفات مردم باشند.

آنچه که درباره مدارس دینی و حوزوی گفته شد، به‌واسطه پیشینه و قدمت آنها در فرهنگ اسلامی ایران است. می‌توان مدل توسعه، حمایت و ترویج از وقف را در همه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی جاری کرد. به‌خصوص امروزه که در حوزه آموزش و پرورش نیازمند دیدگاه‌های نوین هستیم تا در سردرگمی خصوصی یا دولتی بودن مدارس، از این مدل حمایت گردد. متولیان وقف در کشور، باید با بررسی پیشینه‌ها و جریان‌های مرتبط با این حوزه، به دنبال ساماندهی و توسعه اقتصاد فرهنگ مبتنی بر امر وقف باشند. این از جمله اولویت‌های اساسی در جهت دادن به رفتار خیرمردم در جهت توسعه آموزش و پژوهش است.

گفتنی است که مدل حمایت وقف یا شبه وقف از امور آموزشی، پژوهشی و تبلیغ دین، امری متداول در نظام‌های آموزشی و تبلیغی است. برخی دانشگاه‌های بزرگ جهان، رقباتی دارند که منافع آنها در جهت تأمین نیازهای آنها است. همچنین همواره املاکی برای تأمین هزینه‌های ضروری کلیساها و معابد در نظر گرفته می‌شده است که اداره آنها بر عهده متولیان کلیسا گذاشته می‌شود.

بسیاری از دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی دنیا از جمله دانشگاه هاروارد به شکل خیریه تأمین مالی می‌شود و بزرگ‌ترین موقوفه دانشگاهی در دنیا محسوب می‌شود، به‌طوری‌که ارزش این موقوفه ۳۰ میلیارد دلار است. همچنین بنیاد نوبل یا بنیاد کاولی، موقوفه است که تاکنون جایزه‌های مختلفی در حوزه علوم و فناوری و امر پژوهش داده‌اند. هرچند که دیدگاه‌های سیاسی در این زمینه داشته‌اند. (جعفری، ۱۳۹۷: ۷۳)

بنابراین، توجه کردن به این‌گونه اولویت‌های آموزشی و پژوهشی، امری متداول در سیستم‌های علمی و فرهنگی است که پیشینه آن در کشور ما هم وجود داشته؛ اما امروزه برای ترویج آن، نیازمند بسترسازی و گفتمان‌سازی است. بازنگری‌های سازمان اوقاف و امور خیریه در این خصوص، علاوه بر اینکه کمکی در راستای افزایش تمرکز و بهره‌وری این سازمان در امور اصلی خویش را ایجاد می‌کند، کمک شایانی به حل مسائل فعالیت‌ها و سازمان‌های دیگر از جمله حوزه‌های علمیه، مراکز تبلیغی، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه خواهد کرد.



در زمینه فعالیت‌های قرآنی نیز سازمان اوقاف و امور خیریه، باید راهبری و سیاست‌گذاری کند و به‌جای فعالیت‌های مستقیم در حوزه قرآن از ظرفیت‌های موجود کشور بهره بگیرد و آنها را به مراکز و نهادهای مردمی بسپارد. به طور مثال، سازمان اوقاف نباید خود را صرفاً متصدی مسابقات ملی و بین‌المللی قرآن کریم بداند یا اینکه به لحاظ دانشی به تأسیس دانشگاه بپردازد بلکه می‌تواند از ظرفیت‌های موجود بهره بگیرد. حوزه‌های علمیه و مراکز علمی آموزشی و پژوهشی وابسته به حوزه و دانشگاه، در زمینه قرآن، ظرفیت‌های بسیار خوبی دارند که نباید بی‌ارتباط با سازمان اوقاف و امور خیریه باشند. دانش‌آموختگانی در حوزه و دانشگاه در علوم قرآنی هستند که ظرفیت بی‌شماری در فعالیت‌های مرتبط با قرآن حدیث و تفسیر دارند. در شهرستان‌ها و استان‌ها ظرفیت مناسبی وجود دارد. دارالقرآن‌های تأسیس شده‌اند که به فعالیت‌های قرآنی و تربیت حافظان قرآن کریم مشغول هستند. ظرفیت مناسبی در بقاع متبرکه است که هرکدام می‌توانند پایگاه قرآنی شوند. موقوفات قرآنی باید در جهت استفاده هرچه بیشتر از این ظرفیت‌های موجود باشد و تسهیلگر در ورود آنها به عرصه‌های ملی و بین‌المللی باشد. درباره «اداره امور اماکن مذهبی اسلامی» سازمان اوقاف و امور خیریه به‌جای اینکه به‌عنوان یک نهاد متولی، صرفاً درآمدها و هزینه‌های این اماکن را محاسبه و مصرف کند باید به دنبال نظارت، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و هدایت‌گری هم باشد تا ظرفیت‌های اجتماعی و عموم مردم متدین را به سوی اماکن مذهبی هدایت کند. سازمان اوقاف و امور خیریه، باید نظارت جدی بر نذورات مردم و درآمد اماکن مذهبی داشته باشد. باید از ظرفیت نهادهای فرهنگی و تبلیغی موجود در اماکن مذهبی استفاده کند و به تبلیغ و ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ایرانی در این اماکن بپردازد. سیاست‌گذاری برای منابع پایدار کند و پشتوانه‌هایی جهت توسعه و بازسازی اماکن مذهبی ایجاد کند. نگاه کل‌گرایانه و متوازن در حکمرانی وقف، باعث می‌گردد که مردم سوق به وقف داشته باشد و نقش فعالی را ایفا کنند. اقتصاد وقف، پایدار و بهینه گردد و وقف بتواند پشتوانه و منبعی پایدار برای امور اجتماعی، فرهنگی و دینی شود

به طور مثال در حوزه بهداشت و سلامت، وقف در این حوزه، امری متداول بوده است که برخی درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های خیریه و وقفی شکل گرفته‌اند. با اصل پرهیز از ورود مستقیم در عرصه مدیریت این مراکز و سپردن آنها به متولیان خاص خودش در حوزه درمانی و بهداشتی، باید به دنبال حمایت‌هایی در جهت توسعه فعالیت‌های آموزشی و

پژوهشی مرتبط با امر سلامت بود. گسترش وقف و خیریه در بسیاری از پژوهش‌ها و آموزش‌های حوزه بهداشت، کمک پیشگیرانه‌ای در این حوزه است.

موضوع دیگری که در همین راستا باید محل توجه باشد این است که سازمان اوقاف عهده‌دار، اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول‌التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد، است. رویه چنین بوده که متولی موقوفات مجهول‌التولیه یا موقوفاتی که متولی خاصی نداشته باشد، سازمان اوقاف و امور خیریه است. گفتنی است که برخی از این موقوفات، باید در جهت خاصی مصرف شوند که با این وجود، متولی آن سازمان اوقاف محسوب شده است.

### پیشنهادات

یکی از پیشنهادات در این زمینه این است که متولی موقوفاتی که در زمینه خاصی هستند به سازمان خاص خودشان داده شود و سازمان اوقاف در این امور صرفاً نقش نظارتی داشته باشد و نه اینکه هم متولی و هم ناظر باشد. به طور مثال در مورد زمین وقفی که در جهت استفاده درمانی است، آن را در اختیار وزارت بهداشت قرار بدهد و سازمان صرفاً نقش نظارتی را عهده‌دار گردد. باید امکان‌های خاص بررسی گردند تا متولی سازمان خاص خود آن موقوفه باشد. به نظر می‌رسد که همان‌طور که قبلاً گفته شد، سازمان اوقاف و امور خیریه باید به سمت این برود که از عرصه تصدی‌گری و موقوفه‌داری به سمت تنظیم‌گری، نظارت و پشتیبانی برود.

سازمان اوقاف و امور خیریه، به‌جای اینکه متولی و متصدی و موقوفه داری مستقیم را برگزیند، باید به سمت‌وسوی نظارت و پشتیبانی قوی در حوزه وقف و خیریه‌ها برود. نظارت و پشتیبانی در اولویت است. به عبارت دیگر، امور حاکمیتی شامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی، اهمیت و اولویت بیشتری از تصدی‌گری دارد. زیرا تصدی‌گری آن دسته از وظایفی را در بر می‌گیرد که قابل واگذاری به مردم و بخش خصوصی است. تغییر اولویت و ریل‌گذاری، به‌خصوص درباره مراکزی که اصالت با مردمی بودن یا تخصصی بودن است، باید بیشتر شود. به طور مثال، نظارت بر مراکز و مؤسسات خیریه، باید پررنگ‌تر و بیشتر باشد تا از طرفی جنبه مردمی بودن آنها حفظ شود و از طرفی هم نظارت حاکمیت بیشتر گردد و مواردی که امکان فساد وجود دارد، برطرف گردد. به همین منظور باید در جهت ارتقای امر خیر و جلوگیری از فرار مالیاتی یا پول‌شویی یا اسراف



کمک‌های مردمی باید مقرراتی اعمال گردد و سازمان اوقاف و امور خیریه باید نقش نظارتی و هدایتی حداکثری در امور خیریه داشته باشد.

«امین یا هیئت‌امنا» در قوانین سازمان اوقاف و امور خیریه، امکانی در قوانین تشکیلات سازمان بوده که رویه کنونی برای گسترش آن را می‌توان از جمله همین اقدامات مؤثر برای حکمرانی موفق دانست. بر اساس ماده ۵ قانون، سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند به منظور حسن اداره اماکن مذهبی اسلامی از قبیل بقاع متبرکه و امثال آن و مؤسسات وانجمن‌های خیریه‌ای که اداره آنها به سازمان محول شده و همچنین برای موقوفاتی که متولی ندارد با رعایت مفاد این آیین‌نامه در هر مورد هیأت امنایی انتخاب کند. امین یا امنا با توجه به خصوصیات و اقتضای مورد در موقوفات فاقد متولی از بین افراد معروف به امانت و متدین و متعهد محلی انتخاب می‌شوند. باید از ظرفیت مردمی در اداره کرد موقوفات بیشتر استفاده شود تا تصدی‌گری اوقاف در موقوفات کاهش یابد و نقش نظارتی آن ارتقا یابد.<sup>۱</sup> امید است که با توسعه این رویکرد راهبردی، علاوه بر موقوفات، سازمان اوقاف و امور خیریه درباره دیگر وظایف و تکالیف خویش، چنین راهبردی را به صورت عملی برگزیند و از تصدی‌گری مستقیم در حوزه‌های مختلف به سوی سیاست‌گذاری، هدایت‌گری، نظارت، ارزیابی، سوق پیدا کند تا بتواند وقف را مردمی کرده و همه ظرفیت‌های موجود در وقف را به فعلیت برساند

از نظر قانون مدنی، نظارت بر وقف، دو قسم است:

۱. نظارت اطلاعاتی: آگاه شدن بر امور مربوطه به موقوفه از عائدات و مصارف آن است و بدین جهت متولی باید عملیات خود را به اطلاع ناظر برساند؛ ولی لازم نیست که در امور موقوفه با او شور نماید و تصمیم مشترک اتخاذ کنند و هرگاه ناظر امری را که متولی انجام داده است بر خلاف ترتیب معینه در وقف‌نامه بدانند، می‌تواند آن را اعلام دارد و در صورتی که متولی تسلیم نگردید، ناظر می‌تواند به دادگاه مراجعه و متولی را وادار به متابعت از مندرجات وقف‌نامه بنماید و هرگاه خسارتی از عمل متولی متوجه موقوفه یا موقوف علیهم گردیده متولی مسئول آن خواهد بود

۱. بر این اساس مقرر شده که موقوفات کم‌درآمد، فاقد درآمد و موقوفاتی که نیازمند افزایش بهره‌وری هستند به صورت امین یا هیئت امنایی اداره شوند تا نقشه مشارکتی مردم نیز در اداره‌کرد موقوفات افزایش یابد. این طرح باعث خواهد شد تا صیانت از موقوفات توسط مردم انجام شود. حفظ آبادانی موقوفات و حفظ اصل موقوفه، وصول مطالبات و تنظیم و تجدید قرارداد بر اساس نرخ عادلانه روز، حفظ مراقبت کامل از اموال، جذب سرمایه‌گذاری در رقبات با رعایت منفعت و مصلحت، احقاق حقوق موقوفه و در صورت نیاز دعاوی، شناسایی و تثبیت مالکیت موقوفات و در نهایت افزایش بهره‌وری از جمله اهداف و وظایف تعیین‌شده برای افراد امین و هیات امنای موقوفات است.

نک: افزایش نظارت و کاهش تصدی‌گری اوقاف، خبرگزاری تسنیم، [www.tasnimnews.com/fa/news/۲۷/۱۳۹۷/۲۷](http://www.tasnimnews.com/fa/news/۲۷/۱۳۹۷/۲۷)

۲. نظارت استصوابی: اظهارنظر در امور مربوطه به موقوفه قبل از انجام آن می‌باشد، بنابراین در صورتی که موقوفه ناظر استصوابی داشته باشد، متولی باید قبل از اقدام بهر عملی در امور موقوفه جلب نظر ناظر را بنماید و در صورت موافقت و تصویب ناظر، متولی آن را انجام خواهد داد و متولی بدون تصویب ناظر نمی‌تواند اقدام به امری بنماید. ناظر استصوابی مانند متولی است و در اخذ کلیه تصمیمات با متولی شریک خواهد بود، ولی اجرای آن تصمیمات منحصراً با متولی می‌باشد. (امامی، ۱۳۴۰: ۸۴-۸۵)

در وقف، «متولی» همچون مدیر موقوفه است. «ناظر» بر کار متولی نظارت دارد و اجرای دقیق وقف‌نامه را عهده‌دار است؛ اما در اداره موقوفه دخالت مستقیم ندارد. ناظر در حکم بازرسی است که رعایت نیات واقف و مصلحت عین موقوفه را برعهده دارد. به عبارتی، ناظر اطلاعی مانند بازرس شرکت‌ها و مؤسسه‌ها است. ناظر استصوابی به منزله عضو هیئت‌مدیره در برابر مدیرعامل (متولی) است.

مطابق قانون مدنی، واقف می‌تواند از منافع موقوفه سهمی برای متولی به‌عنوان حق‌الزحمه قرار دهد اگر چه واقف خود، متولی باشد، و این امر وقف بر نفس شناخته نمی‌شود، زیرا سهم مزبور در مقابل عملی است که برای اداره امور موقوفه انجام می‌دهد. تعیین مقدار حق‌التولیه با نظر واقف است که در عقد وقف در نظر می‌گیرد. در صورتی که واقف برای متولی در عقد وقف حق‌التولیه قرار نداده و نیز قید ننموده که متولی سهمی از موقوفه به‌عنوان حق‌التولیه نبرد و یا مجاناً آن را اداره نماید، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل می‌باشد و همچنین است در صورتی که واقف تصریح به اجرت دادن متولی نموده؛ ولی مقدار آن را معین نکرده باشد.

نظارت بر وقف از جمله مسائل و چالش‌هایی اساسی در حوزه وقف است. نظارت ابعاد مختلف مالی، دینی، اجتماعی و غیره دارد. مسئله نظارت به‌خصوص از جهت نظارت مالی اثربخش بر موقوفات باید تقویت گردد. هدف از آن، ایجاد شفافیت مالی موقوفات و حفظ بهره‌وری با اصل توجه به نیت واقفین است. به همین جهت باید حسابرسی و نظارت بر این سازمان تقویت گردد، امکان حضور نهادهای نظارتی و قضایی در زمینه موقوفات و بازراندگی متناسب فراهم گردد. توسعه فناوری انجام شود و سیاست‌گذاری راهبردی و نظارت مؤثر علیه فساد مالی و پول‌شویی تحت پوشش امر وقف و خیریه انجام گردد. در نظارت اجتماعی و دینی، باید به اولویت‌های وقف از جمله حفظ، انتفاع و بهره‌وری موقوفه و نیات واقفین محل توجه شود. مطلوب در موقوفه این است که نیت واقفین



محل توجه باشد و استقلال و پایداری موقوفه تضمین شود. استقلال وقف از ویژگی‌های مهم وقف است که بر اساس نیت اولیه وی، تحقق می‌یابد و موقوفه و منافع آن باید در همان جهت مصرف شوند. پس از تأسیس وقف، دیگران حق دخالت در آن ندارند و در برخی موارد نیز واقف و حتی حاکمیت، حق تجدیدنظر یا دخالت خلاف قاعده ندارد. سازمان اوقاف باید وقف را به‌مثابه یک امر دینی و اجتماعی، محترم شمرده و کمترین دخالت مستقیم و بیشترین نظارت و منفعت را در پی داشته باشد. زیرا باید به دنبال افزایش خیر و اعتماد باشد بود که مال موقوفه بر اساس نیت آنها عمل خواهد شد. به همین جهت، مسئله نظارت نهاد حکمران در وقف، باید از اولویت‌های اساسی باشد، زیرا تأثیر فزاینده‌ای در گسترش وقف در پی خواهد داشت.

هرچند که فساد در امور فرهنگی و دینی، تدریجی است و به وضوح و با عدد و آمار روشن نمی‌شود؛ اما در بلندمدت، در بنیان‌های اجتماعی تأثیرات عمیق‌تر و گسترده‌تری خواهد داشت. پیامد فساد در بخش دینی و فرهنگی، خطرناک‌تر از فساد در بخش‌های دیگر است؛ زیرا فساد تسری به عمق باورهای دینی و فرهنگی خواهد کرد و اثرات سو و غیر قابل جبرانی در فرهنگ جامعه خواهد داشت. فساد در مسئله وقف به‌واسطه جنبه‌های مختلفی دارد، تأثیرات فزاینده‌تری خواهد داشت. به همین جهت ضرورت نظارت و کنترل بیشتری از سوی سازمان مربوطه است. بدیهی است که دستیابی به وضعیت مطلوب در زمینه مدیریت و نظارت بر موقوفات کشور، نیازمند توجه به مسائل و مستندات شرعی و قانونی، پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی، و اقتضائات سازمانی است.

## نتیجه‌گیری

نظام وقف، دربردارنده جنبه‌ها و آثار مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که همه این‌ها بر یکدیگر تأثیر دارند و در بررسی مسئله وقف باید به همه این جنبه‌ها توجه کافی داشت. تک‌جانبه‌نگری و فقدان توجه به جنبه‌ها و آثار دیگر، منجر به رشد نامتوازن در این حوزه می‌گردد.

خیلی از کارهای عام‌المنفعه و بخش مهمی از امکانات درمانی، آموزشی، خدمات رسانی و تأمین اجتماعی در کنار درآمدهای حکومتی، از وقف تأمین می‌شده است. الگوها و تجربه‌های تمدنی نشان می‌دهد که وقف می‌تواند به‌عنوان یکی از پایه‌های اداره جامعه اسلامی و ایجاد درآمد پایدار برای کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. در گام دوم انقلاب اسلامی باید نگاه به وقف، نگاهی تمدنی باشد و به دنبال این بود که در ایجاد ساختار بودجه و تأمین درآمدهای پایدار برای مسائل عمومی کشور به‌خصوص در حوزه علمی و فرهنگ، می‌توان بر امر وقف تأکید کرد.

سازمان اوقاف و امور خیریه باید بکوشد استفاده بهینه از موقوفات داشته باشد. وقف و امور خیریه باید به سمت مردمی شدن، همراه با نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه برود. جلب اعتماد عمومی در این زمینه ضرورت دارد. سازمان اوقاف و امور خیریه، باید از تصدی‌گری و موقوفه داری پرهیز کند. تصدی‌گری همه‌جانبه منجر به این خواهد شد که از وظایف اصلی غفلت شود. جنبه نظارت و سیاست‌گذاری باید تقویت شود. باید از ظرفیت‌های مردمی و دیگر مراکز استفاده شود. اغراض و نیت‌های واقفان محترم شمرده شود قوانین پیشنهادی حوزه وقف و امور خیریه، باید به سمت سیاست‌گذاری و نظارت وقف بروند.

موقوفات یکی از بهترین امکان‌های اقتصادی برای پشتیبانی در حوزه فرهنگ و اجتماع هستند. سازمان اوقاف در زمینه فرهنگی و دینی باید بکوشد به جای فعالیت مستقیم در این حوزه‌ها، از ظرفیت نهادهای آموزشی، فرهنگی و دینی که به صورت جزایر پراکنده در حال فعالیت در این زمینه‌ها هستند، حمایت کند و به‌عنوان نهاد پشتیبان در حوزه فعالیت‌های آموزشی پژوهشی درمانی دینی و غیره فعالیت کند.

سازمان اوقاف و امور خیریه باید با حفظ مردمی بودن خیریه‌ها در این زمینه نظارت جامعه‌ای داشته باشد قانون‌گذار باید رویکرد جامعه‌ای درباره فعالیت‌های مردمی و دولتی در زمینه اقدامات نوع‌دوستانه و خیرخواهانه داشته باشد و آنها را به سمت اقدامات بلندمدت، دارای منفعت اجتماعی در حوزه وقف سوق دهد.



## کتابنامه

- امامی، حسن (۱۳۴۰). *حقوق مدنی*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- انجوی نژاد، سیدمهدی؛ امامی، محمد (۱۳۸۳). «تحولات قانونگذاری در بیع وقف و مبنای آن». *مدرس علوم انسانی*، دوره ۸، سال: ۱۳۸۳ (صفحات: ۱۵۳-۱۷۸)
- جعفری، مهدی (۱۳۹۷). «نهاد حکمران، سیاست‌گذار یا تصدی‌گر، گفت و گو با مهدی جعفری»، *فصل‌نامه آوای خیرمندانگار*، شماره دوم پاییز ۱۳۹۷
- ریاحی سامانی، نادر (۱۳۹۴). «وقف و اقتصاد»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، شماره ۹۱ و ۹۲، ۱۳۹۴
- زرشکن عابد، لیلای؛ موسوی، فاطمه (۱۳۸۱). «گزارش آشنایی با وضعیت اوقاف در کشور، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- سجادی جزی، سید مجتبی (۱۳۹۵). «نظام نظارتی موقوفات در ایران»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، شماره ۹۳ بهار ۱۳۹۵.
- مستمع، رضا؛ خوانساری، محمدامین؛ جبارنژاد، محسن (۱۳۹۹). *بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور. بودجه نهادهای دینی - تبلیغی و بخش فرهنگ و هنر (ملاحظات پیرامون فصل کمک‌های بلاعوض*، شماره مسلسل: ۱۷۳۵۳. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ.
- مستمع، رضا؛ غلامپور آهنگر، ابراهیم؛ خوانساری، محمدامین (۱۴۰۰). *بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور. نهادهای دینی - تبلیغی و بخش فرهنگ و هنر (ملاحظات پیرامون بازسازی ساختار بودجه فرهنگی کشور*، شماره مسلسل ۱۸۰۰۶. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دفتر مطالعات فرهنگی و آموزش.
- ملایی‌پور، جواد (۱۳۸۴). *وقف سرمایه‌های ماندگار*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- میرداداشی، سیدمهدی. (۱۳۸۷). «لزوم نظارت سازمان اوقاف بر وقف خاص»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی*، اصفهان: انتشارات اسوه.
- اطلاعات تکمیلی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۱
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- سایت سازمان اوقاف و امور خیریه